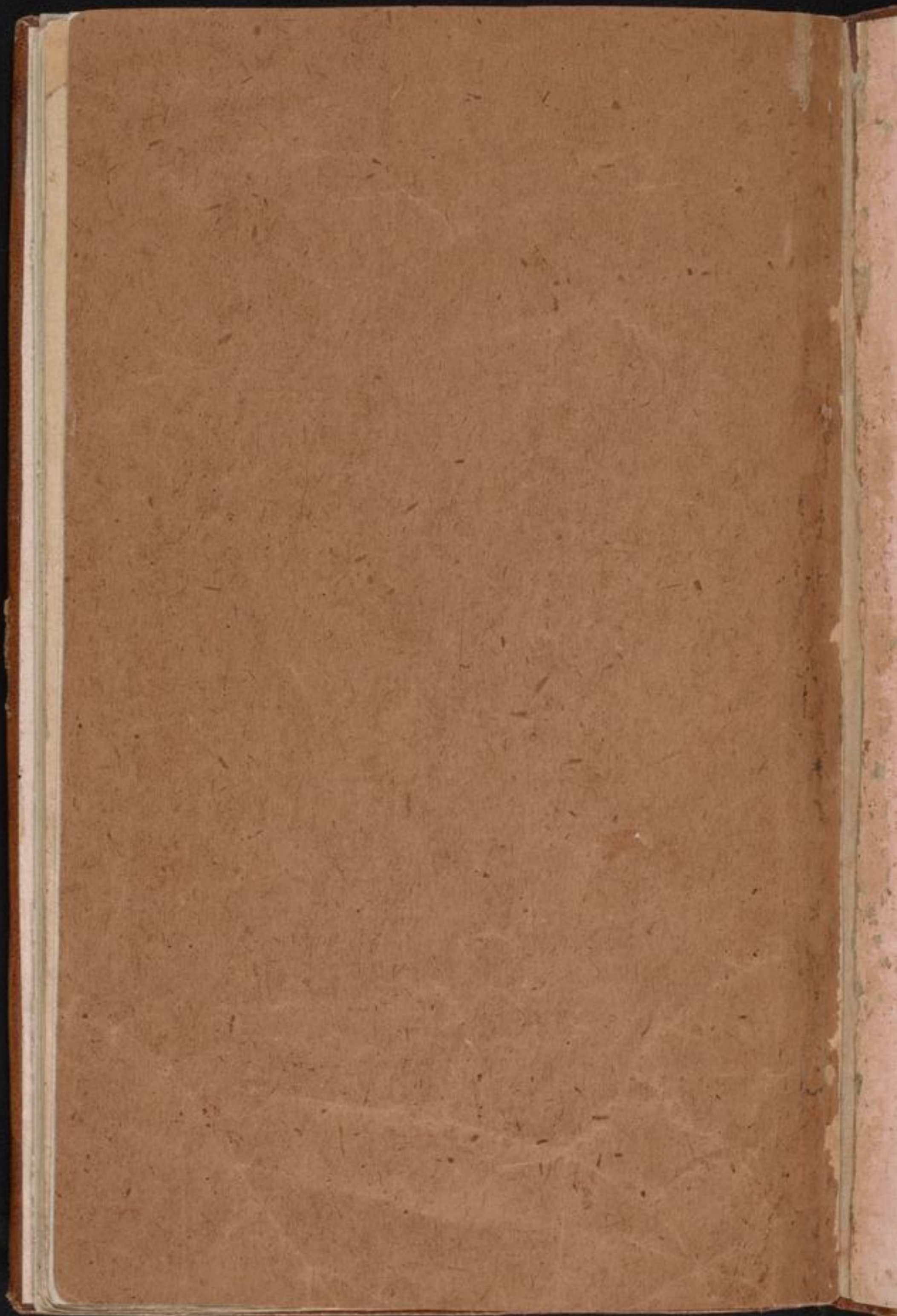
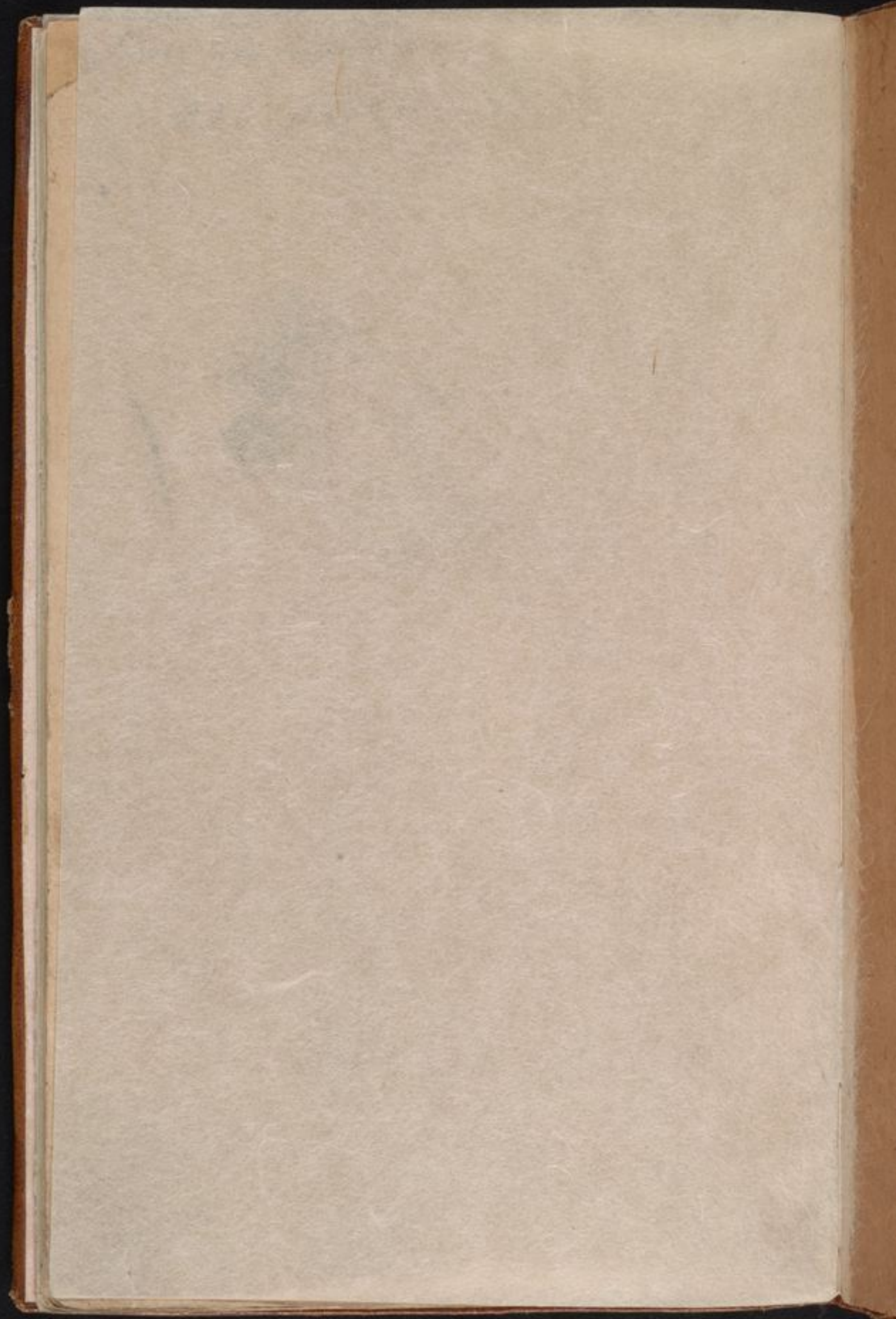


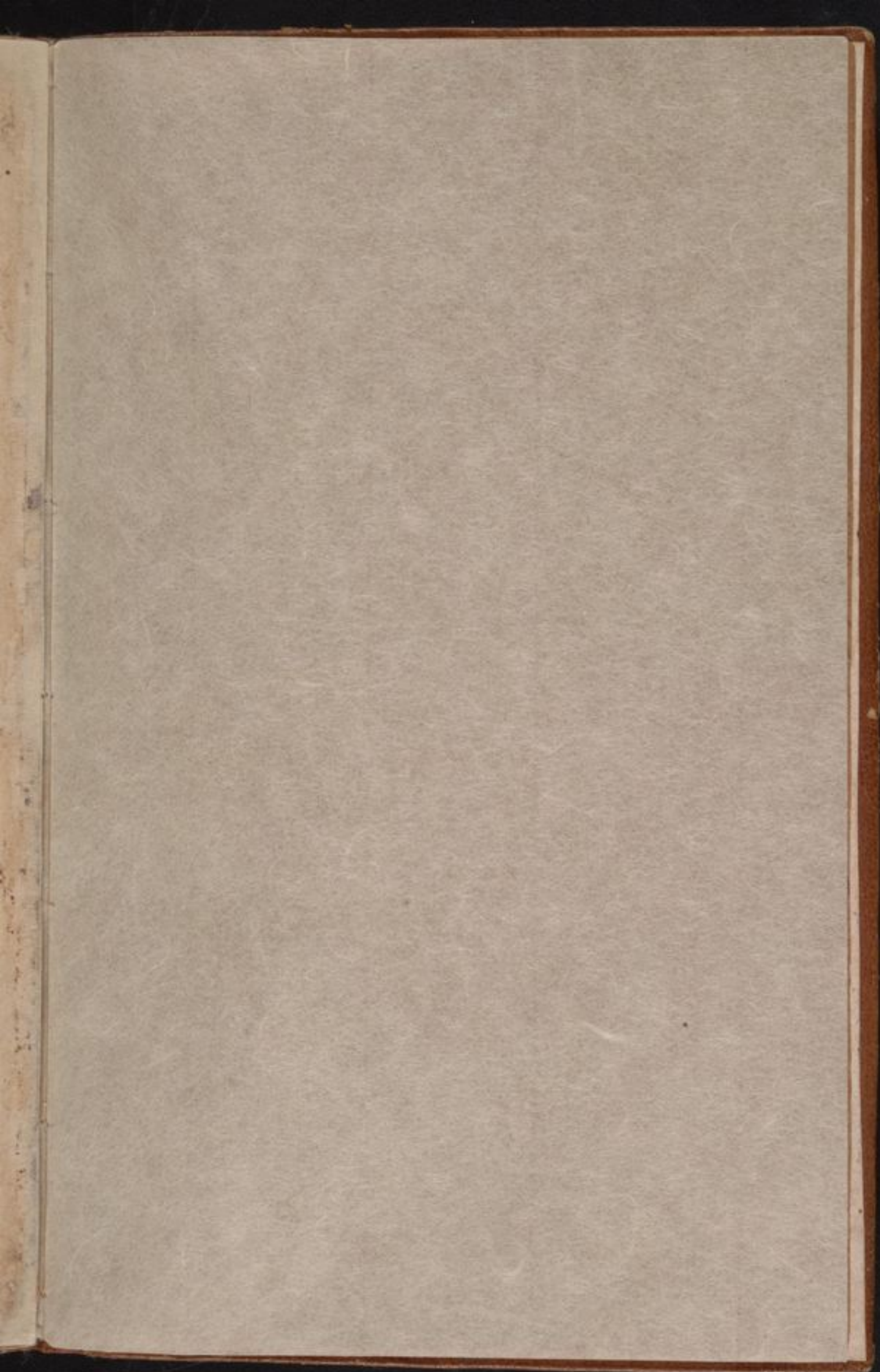
12 pages











mir Ali Husaini

926 A.H. (1519 A.D.)

۱۲۲



۱۲۲

پسر ارشده دولت ای باد کف آ

وین عمر کرامی بخبارت گذار

دایم همه جا با همه پس همه کار

میدان هفت چشم دل حایب یار

بدان افناک الله عنک و ابقاک به که حال

طریقه حضرت خواجه بزرگوار قدس الله تعالی

پسره العزیز و خلفای ایشان بعد از صحیح صحیده

و تطبیق آن بعبت سلف صالح رضوان الله علیهم

اجمعین و ایان باعمال صالحه و اتباع سنن با ثور

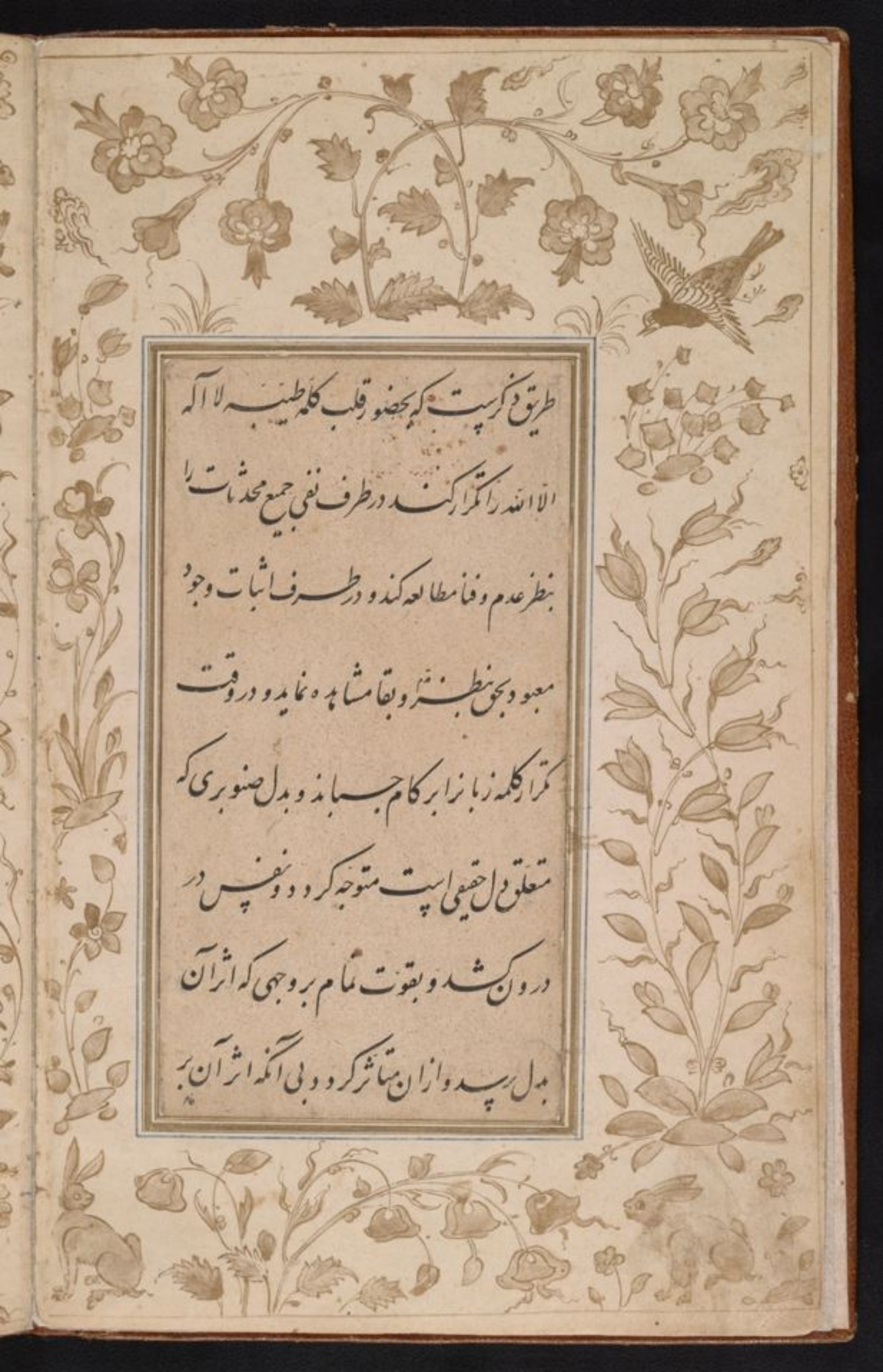
و اجتناب از مخطرات و مکروهات دوام

حضور است مع الحق سبحانه علی مرالاقوات

من غیر فتره و چون این حضور مکه نفس شود مرپا کب

را و ملک وی کرد و شاه خوانند و طریق

وصول بهین دولت په کونه است اول



طریق ذکر است که بجزو قلب کلمه طیب لا اله
الا الله را مکرر کند در طرف نفی جمع محذات را
بنظر عدم و فاعطالعه کند و در طرف اثبات وجود
معبود بجز بنظیر و بقا مشاهد نماید و در وقت
تکرار کلمه زباز را بر کام بسباند و بدل صنوبری که
متعلق دل حصی است متوجه کرد و نفس در
درون کشد و بقوت تمام بروجهی که اثر آن
بدل رسد و از آن متاثر کرد و دلی گنمه اثر آن بر

طاس روی پیدا آید اگر کسی بفرصت خوب پلوی می

نشسته باشد می باید که از آن گناه نشود و بیسوغ

اوقات بگریز این ذکر کرد و اندویش بگریز از آن

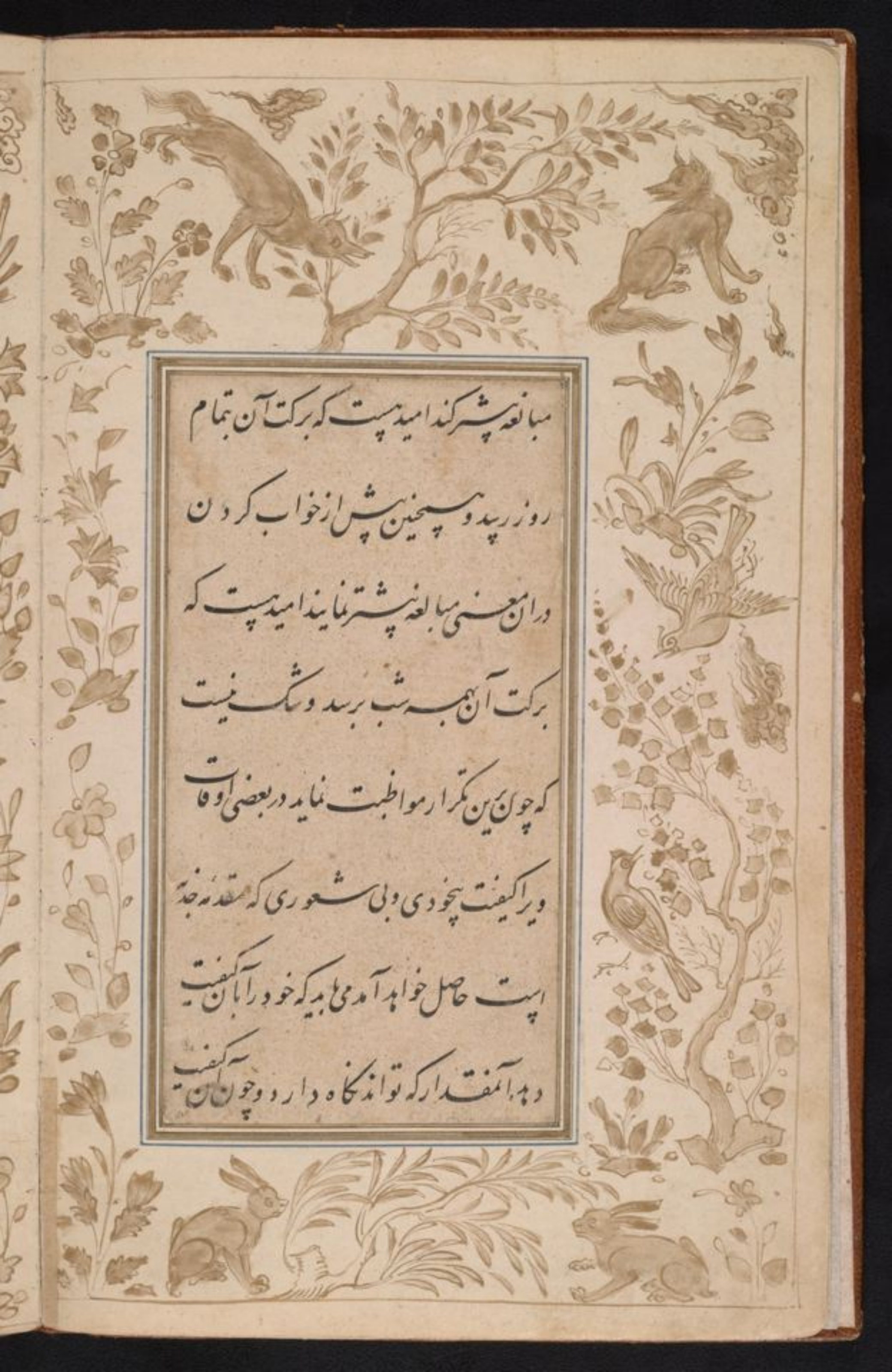
بازماند چه در رفتن و چه در آمدن چه در کسوف

و شنیدن و چه در خشن و خاپس و اگر

بواسطه بعضی اشغال استوری درین تکرار واقع

شود می باید که چشم دل وی بان باشد و بلکه

از آن غافل نکند و اگر پیش از صبح در تکرار کلمه



مبالغه پشتر کند امید هست که برکت آن تمام
روز رسد و پشتر پیش از خواب کردن
در آن معنی مبالغه پشتر نمایند امید هست که
برکت آن به شب رسد و شگفتیست
که چون این مکرار مواظبت نماید در بعضی اوقات
ویرا کیفیت بخوردی و بی شعوری که مقدمه جد
است حاصل خواهد آمد می باید که خود را با آن کیفیت
دهد و آفت دار که تواند نگاه دارد و چون آن



روی در نقصان آورد پس مکرار باز آید و چون

بمعنی مره بعد اخیری بحصول میزند و امید است

که وی را مکه حاصل شود اگر چه آن کیفیت با فعل


حال و نی باشد و حال وی مندرج در علم گردد

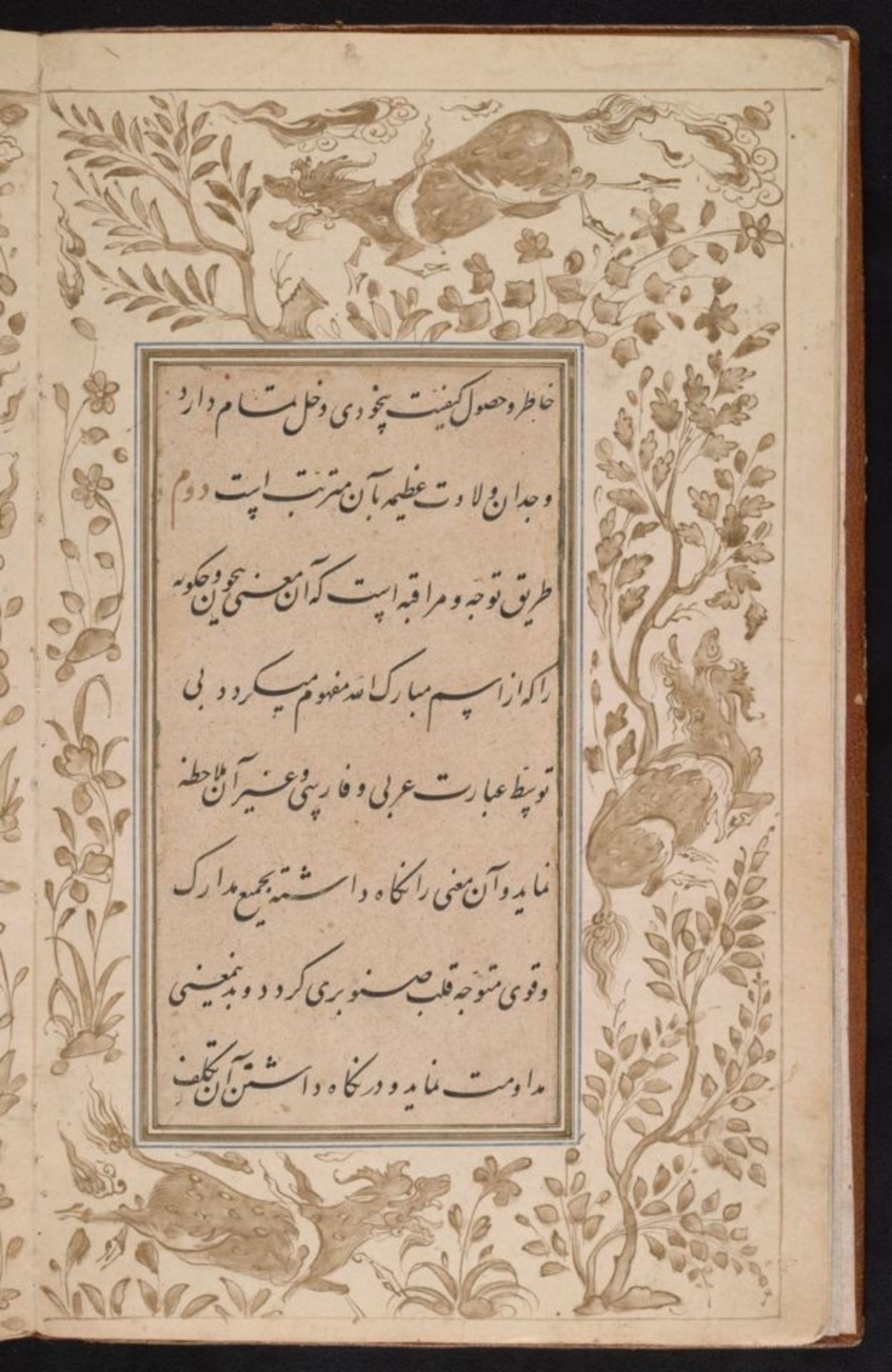
اما سرگناه خواهد ماند که توجیهی باین حال متحصن تواند

گشت و جفس پس را اگر مزاج باین وفا کند

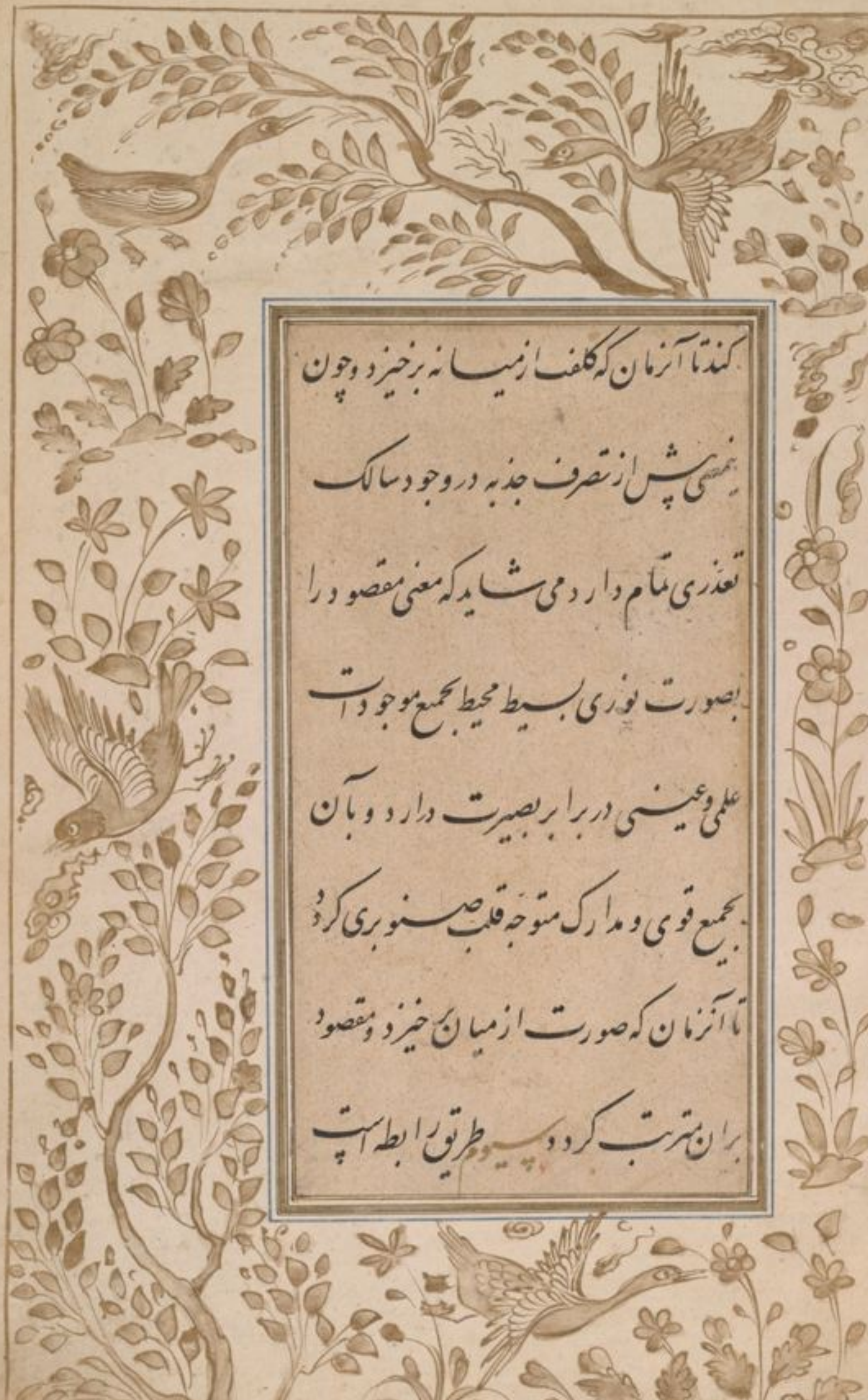
که در یک نفس زدن سه بار یا پنج بار یافت

بار یافتند اگر که تواند کلمه را مکرر کند در نفسی





خاطر و حصول کیفیت چو دی و خل تمام دارد
و جان و لاوت عظیمه با آن مرتب است دوم
طریق توجه و مراقبه است که آن معنی این سخن و حکوم
را که از اسم مبارک الله مفهوم می کرد و بی
توسط عبارت عربی و فارسی و غیر آن ملاحظه
نماید و آن معنی را نگاه داشته بجمع مدارک
و قوی متوجه قلب سنوبری کرد و بد معنی
داومت نماید و در نگاه داشتن آن کلف



کنند تا آنگه که کلف از میان بر خیزد و چون

بنمسی پیش از تصرف جذب در وجود ساک

تعدری تمام دارد می شاید که معنی مقصود را

بصورت یوزی بسط محیط مجمع موجود است

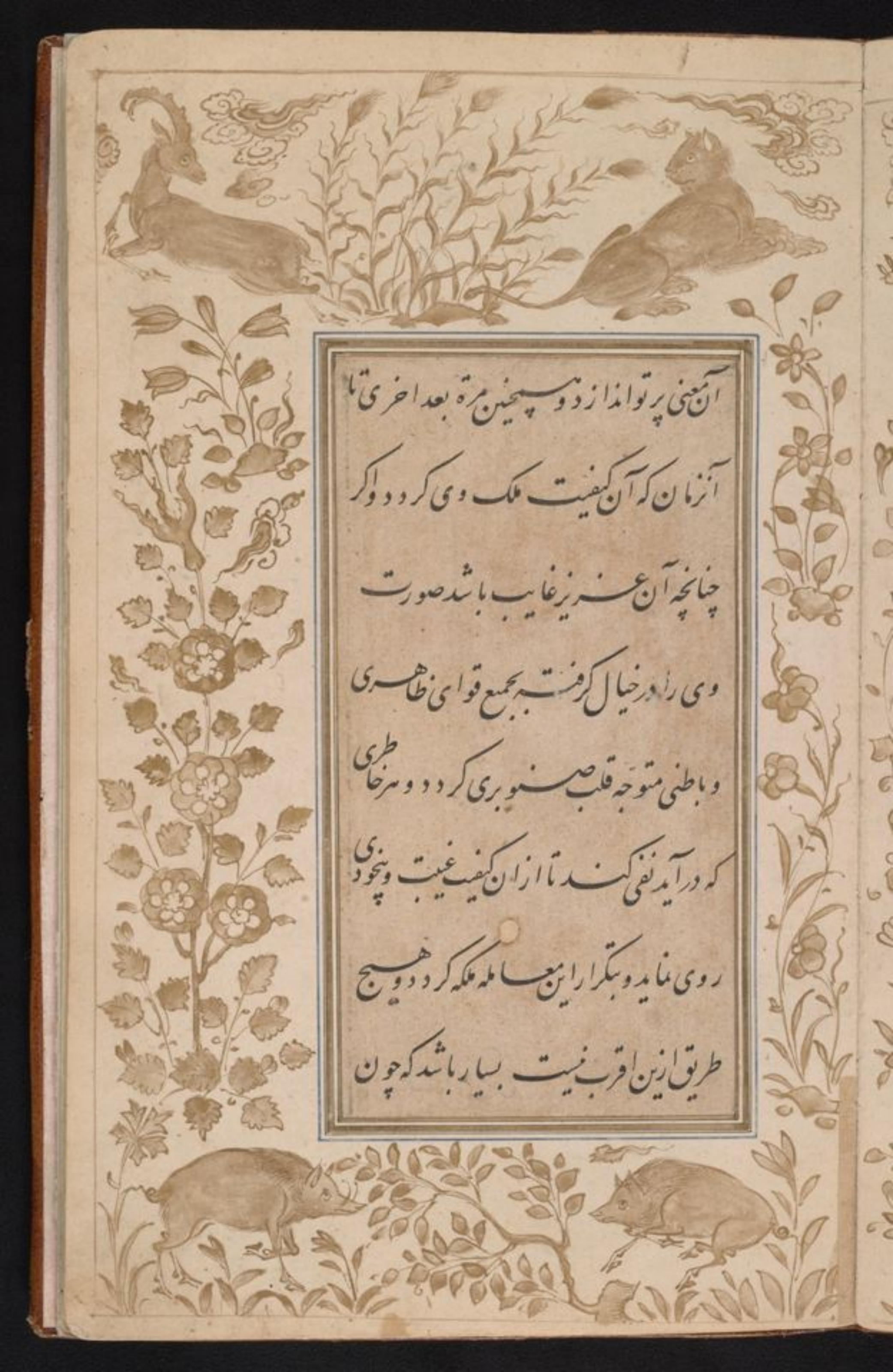
علمی و عینی در برابر بصیرت دارد و بان

بجمع قومی و مدارک متوجه قلب سنوبری کرد

تا آنگه که صورت از میان بر خیزد و مقصود

بران بهترت کرد و پی طریق ابطه است

بپرپر پروردگار که بقام شاهده رسیده باشد
و تجلیات ذات متعجب شسته دیدار وی بمقتضای
هم الدین اذار او اذکار الله فایده ذکر هم
و صحبت وی بوجوب هم جلساء الله صحبت
مذکور پس چون دولت دیدار و صحبت پس عریض
دهد و اثر آزار در خود بیاید چندانکه تواند آزار
نگاه دارد و اگر در آن معنی فتوری واقع شود
باز صحبت وی مراجعت نماید تا بیکت وی



آن معنی پر تو اندازد و سپهچین مره بعد اخری تا
آن زمان که آن کیفیت ملک وی کرد و اگر
چنانچه آن عنبر غایب باشد صورت
وی را در خیال گرفت به جمع قوای ظاهری
و باطنی متوجه قلب سنوبری کرد و در هر
طری که در آید نفی کند تا از آن کیفیت و پنجد
روی نماید و بکار این معالجه ملکه کرد و در هیچ
طریق ازین اقرب نیست بسیار باشد که چون

مرد را قابلیت آن باشد که پر در وی تصرف کند

در اول صحبت وی ابرته مشا هده رسا ند

و چون دریافت صحبت چنین عزیز می که درین

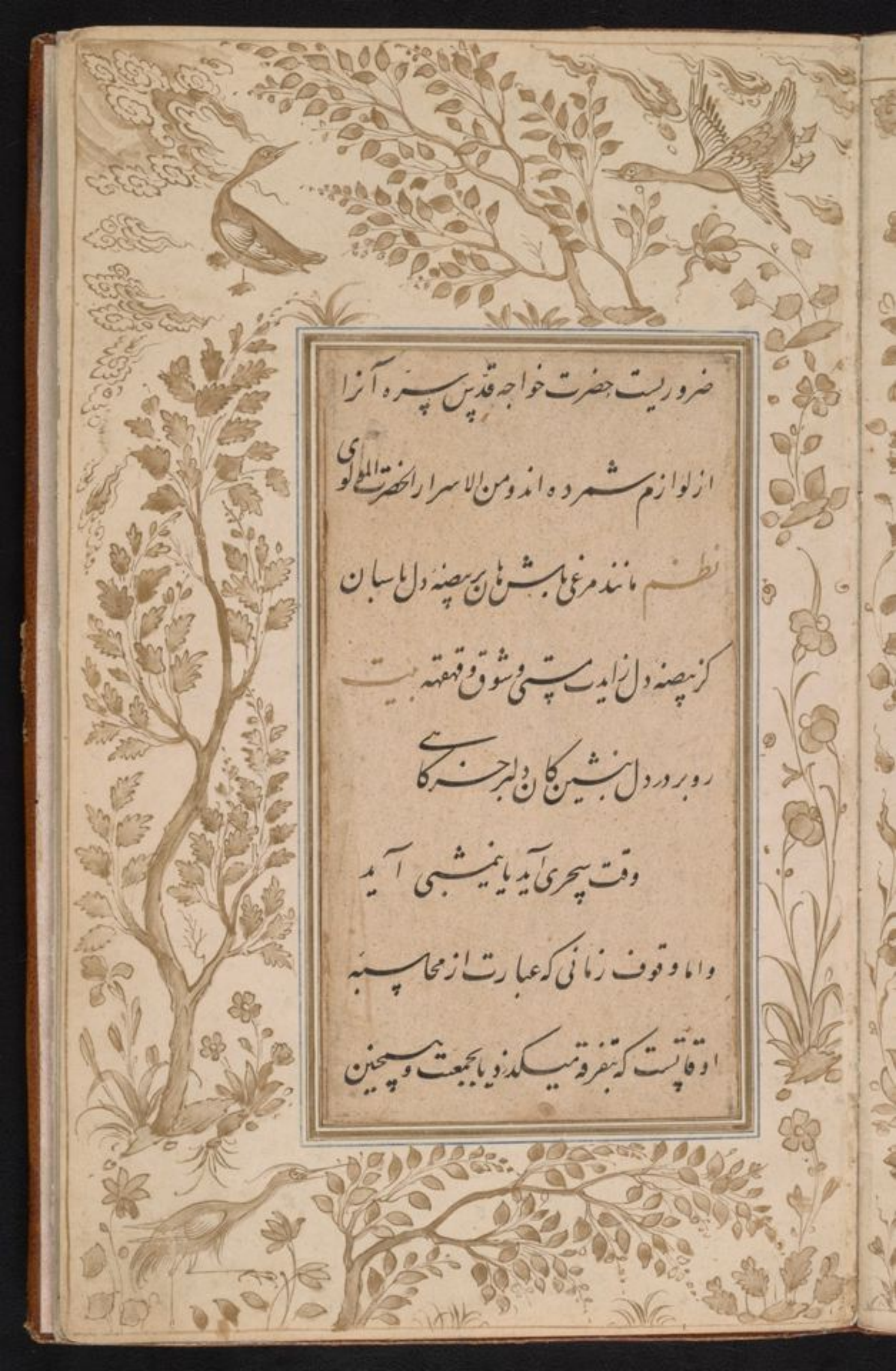
روز کارا غم من الکبریت الاحمیت دست

مندی باید که یکی از آن دو طریق که پشتر مذکور

شد اشغال نماید و از بیان این طرق مش

معلوم شد که توجه بقلب صنوبری که در عرف

این طایفه از اوقوف قلبی خواستند در جمع اوقات



ضرورت حضرت خواجه قدس پسرده آزا

از لوازم شمرده اند و من لا سرار ان حضرت الملوکی

نظم مانند مرغی با بشنایان بر پهنه دل با سبان

کز پهنه دل زاید استی و شوق و مهمته بیت

رو برود دل بشینگان دلبر حسن کاس

وقت سحری آید یا نمیشی آید

و اما وقوف زمانی که عبارت از محاسبه

او قاست که بفرود میگذرد یا بجمعت و پشیمین

وقوف عددی که ملاحظه عدد ذکر است که

که نتیجه بیاید یا نی لازم می شاید که در انسانی

کمی ازین طسرق مشه انوار و واقعات روی

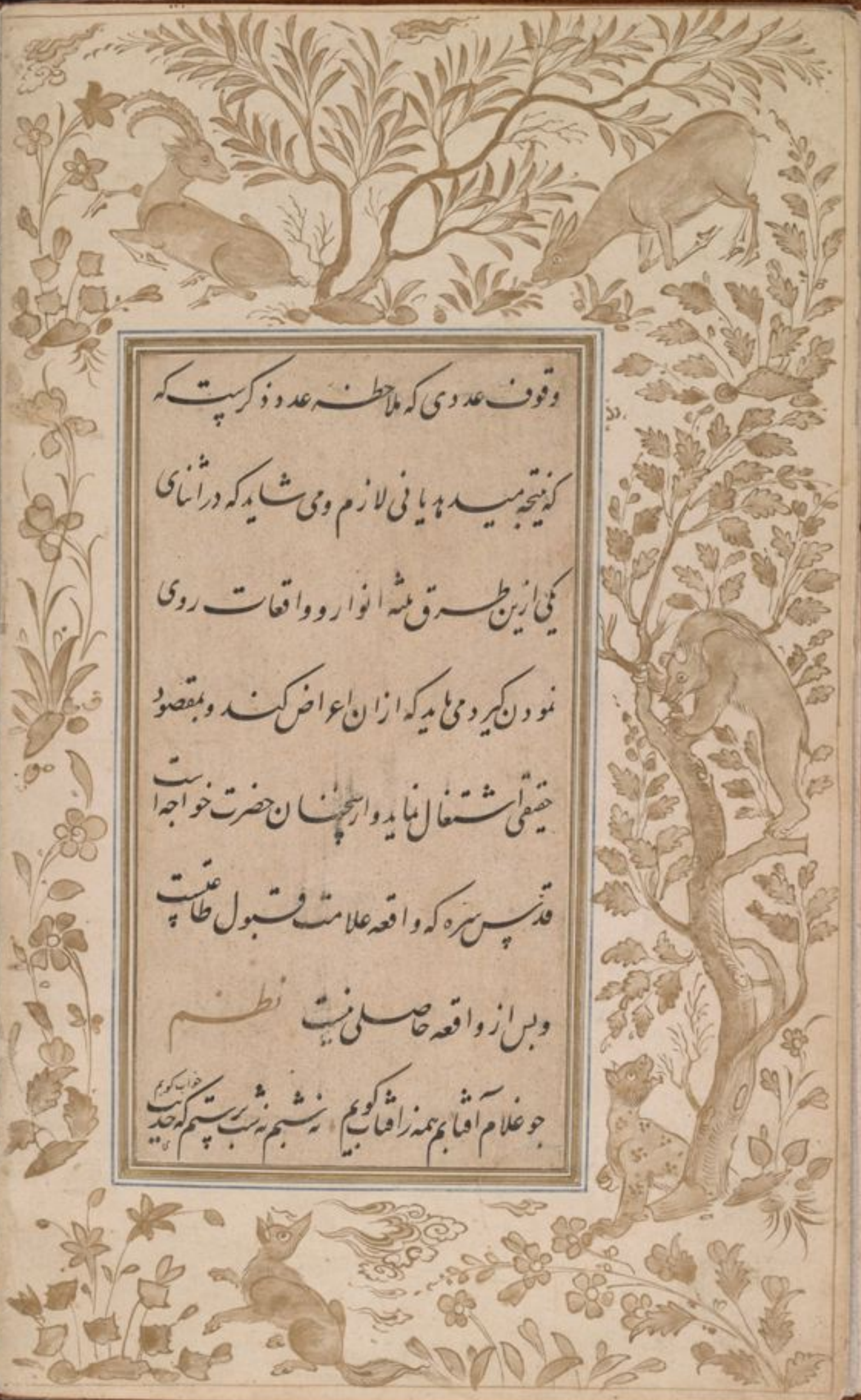
نمودن گیرد می نماید که از ان اعراض کند و بمقصود

یقینی اشغال نماید و از چنان حضرت خواجه است

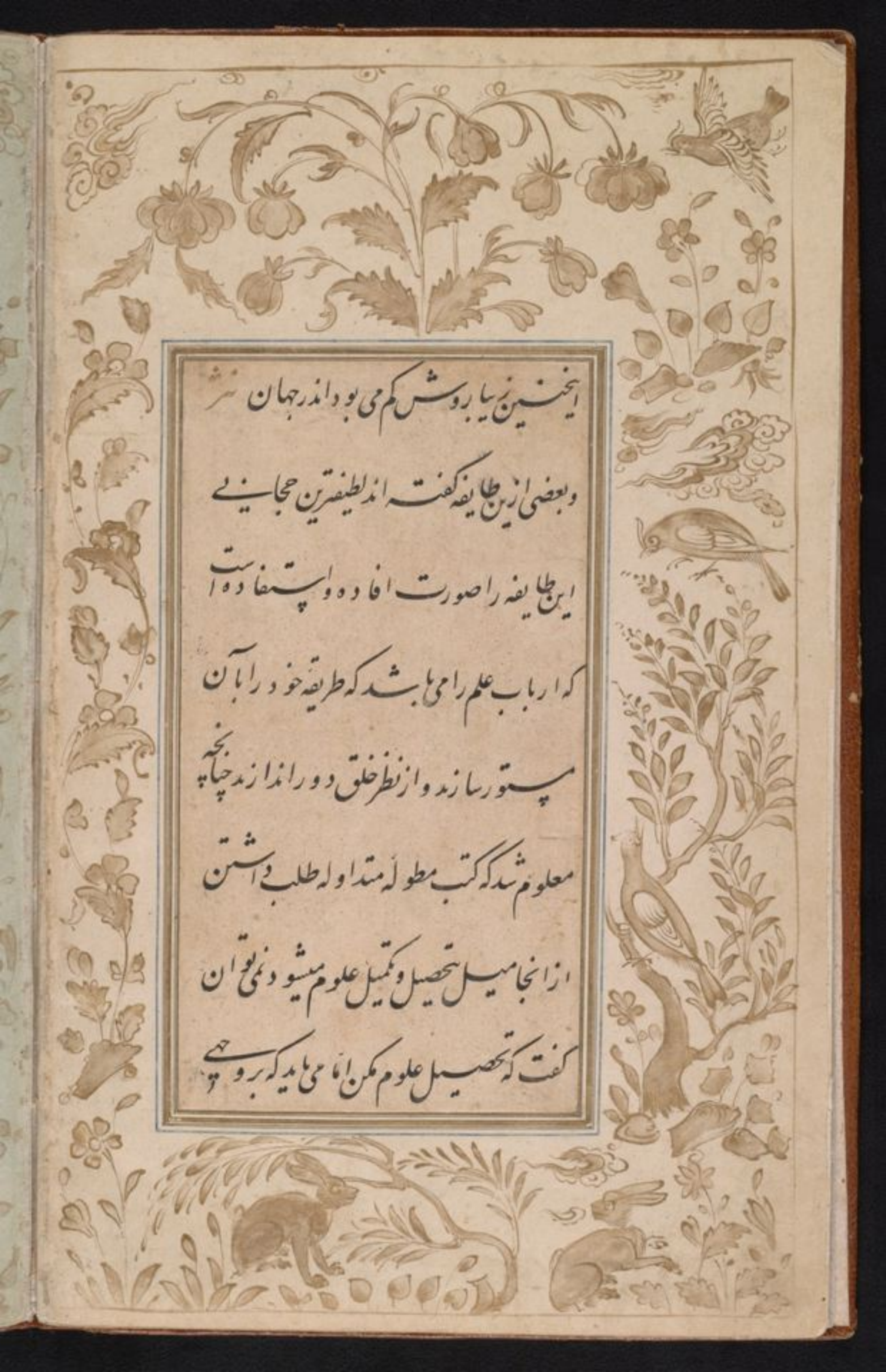
قد پس سره که واقعه علامت قبول طاعت

و بس از واقعه حاصل است *نظم*

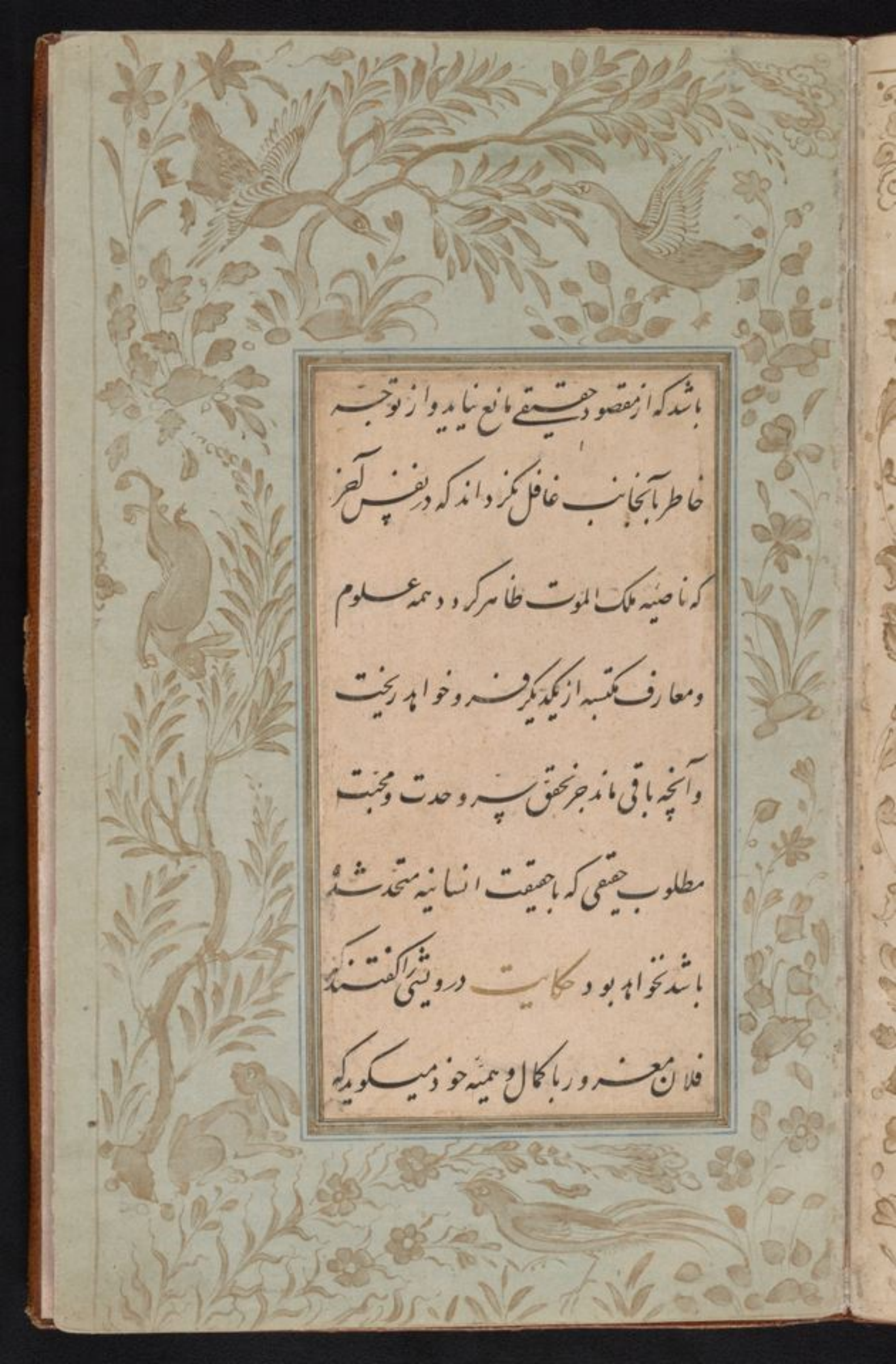
جو غلام آقا بزمه ز آقا بزم *نظم* ز ششم ز ششم که چید



می آید که چون حق سبحانه توفیق اشغال باین
طریق فستند و تلمذی کرد اند خود را بآن مشهور
نیازد و علم کند و لذت در امکان آن
کوشد و از مجرم نامحرم پنهان آرد و از حضرت
خواجه قدس سره پرسیدند که بنای طریقه شما
برصفت فرمودند خلوت در انجمن بطا بر با خلق
و بیاطن با حق سبحانه و تعالی است
از درون پوآشنا و از بیرون بگانه پوش



ایچنین زیاروش کم می بود اندر جهان
و بعضی ازین طایفه گفتند لطیفترین حجابی
این طایفه را صورت افاده و استفاذه است
که ارباب علم را می باشد که طریقه خود را با آن
پسور سازند و از نظر خلق دور اندازند چنانچه
معلوم شد که کتب مطوله متداوله طلب دانشن
از انجا میسل تحصیل و کتب معلوم میشود نهی توان
گفت که تحصیل علوم مکن انامی باید که بروی

A decorative border in a light brown or sepia tone surrounds the text. It features stylized floral motifs, including leaves and small flowers, and several birds in flight or perched on branches. The birds are rendered with fine lines and shading, giving them a sense of movement and grace. The overall style is characteristic of traditional Persian or Islamic manuscript illumination.

باشد که از مقصود حقیقی مانع نیاید و از تو خجسته

خاطر با بجانب غافل نگردد و اندک در نفس کفر

که ناصیه ملک الموت ظاهر کرد و همه علوم

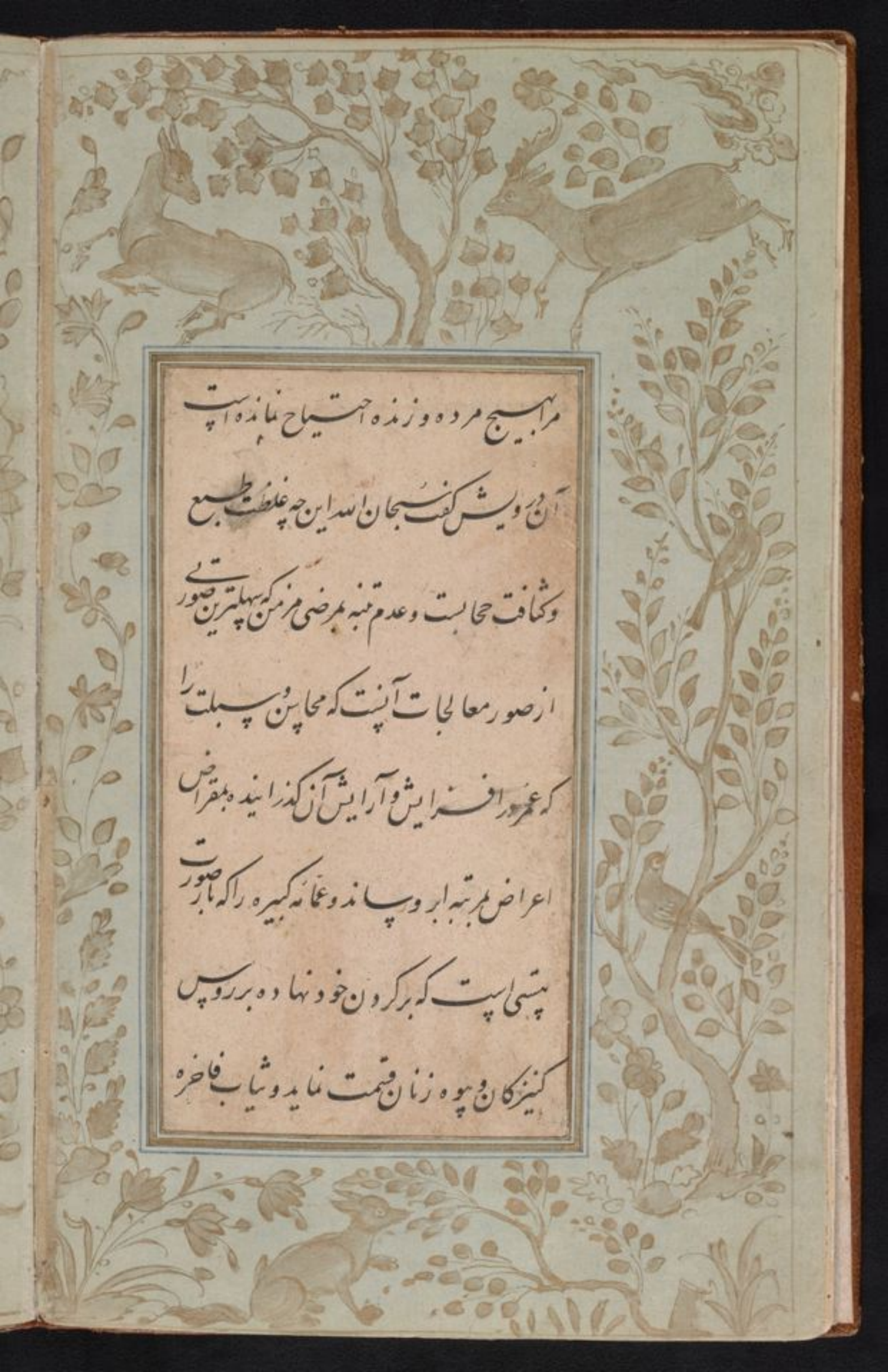
و معارف کتب از یکدیگر فرسود و خواهد ریخت

و آنچه باقی ماند جز حقیق پس وحدت و محبت

مطلوب حقیقی که با حقیقت انسانیه متحد شده

باشد نخواهد بود حکایت درویشی گفتند

فدان معسر و ربا کمال و همیشه خود میگوید که



مراجع مرده و زنده احتیاج نماید است
آن ویش کف سبحان الله این چه غلطت طبع
و کثافت حجاب است و عدم تمبه مرضی مزمن که سهلترین صور
از صور معالجات آنست که محاپن سببت را
که عمر در آرایش و آرایش آن گذرانند بمقرض
اعراض مرتبه ابرو سپاند و عثانه کبیره را که با صورت
پستی است که بر کردن خود نهاده بر رو پس
کنیزگان و پوه زمان قیمت نماید و شب فاضله

را بکارخانه مخمشان فرستد و شیشه درپوشد
و سپر برهنه زنبیلی کردگان کردن کرد و مخلصها
و بازارها کرد و دو مزد دست کو دکان کرد
تا بضرب سیلی آنستی از سپر او پروان ریزد
باشد که جهل پستی او کاشش و که از شش ما به
هر بسلا حیت و خول در سپم انخیاط و حدت
حقیقت قهر متحقق کرد و با وجود این همه روی
مذلت بر خاک عجبند دنیا زبند و از ظلمت

پستی و رعونت خود پرستی ناپه جوید شاید
که پس بجانه بعنایت بی علت خود ازین
حجاب غلبتیش خلاصی ارزانی دارد و چو
می تواند بود که ازین معانیه حجابی و رعونت
زاینده شود که از اول کثیر باشد و دیگر می ماند
که از صحبت اصداد اجتناب نماید تخصیص از
صحبت جماعتی که از نور ایمان دور و بطلانت
طبیعت مسرور دعوی فیض نبوی و نور بخشی کنند

و تعالی ممکن است از آنچه شاید نگاه دارد و آنچه

نباید در پناه جمله را توفیق و رزقش کفایت

پست کرد انسان از آن جام حسیق

بنده را هم از فضل سر خوشان قطره در کام نا کام رسان

جمله پسر خواص و مشرعوام کشف شد و السلام الکرام

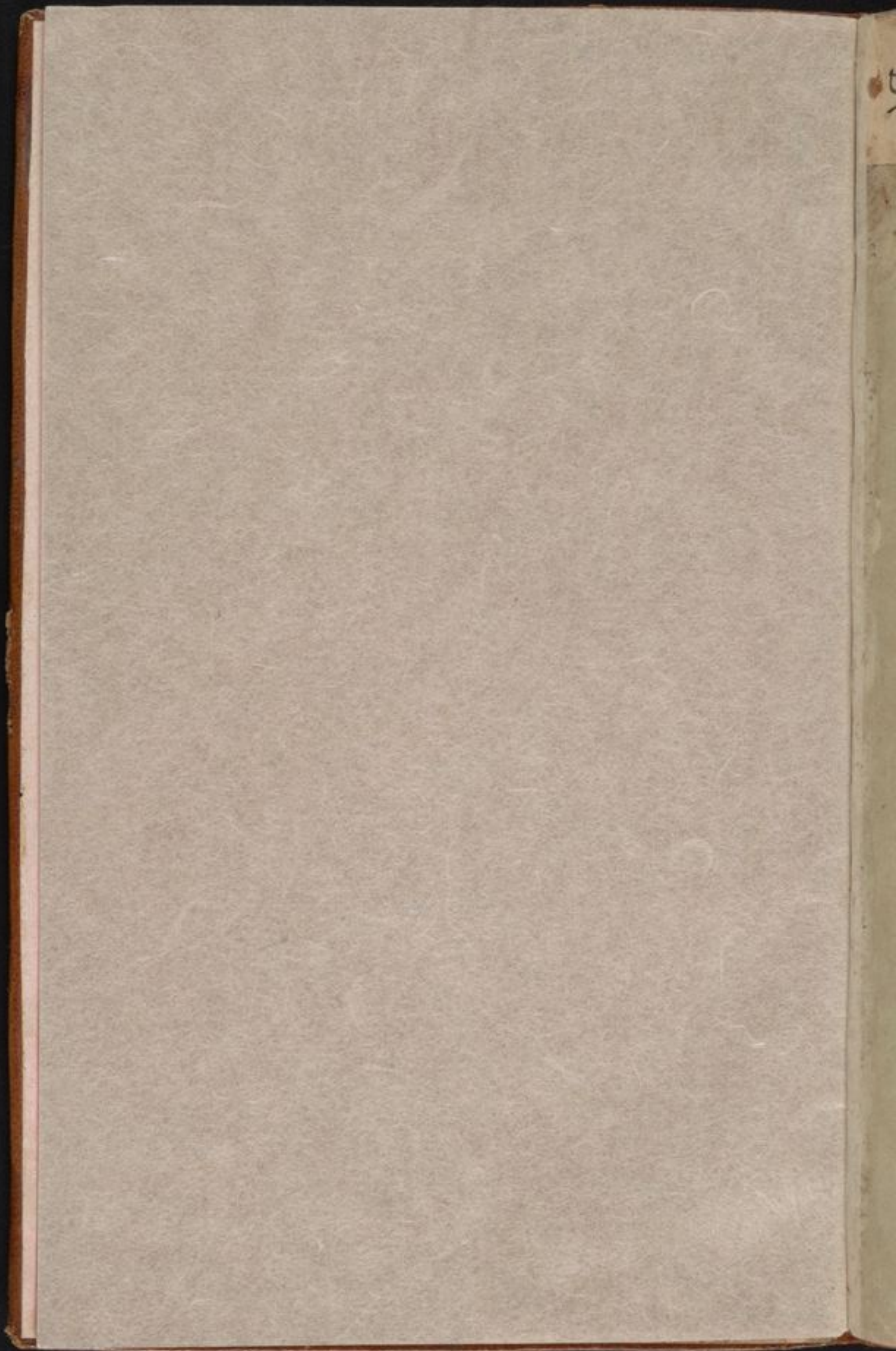
کتابت بحسنه
کتابه العبد القصر المذنب علی

الکاتب غفر الله ذنوبه و توبه و توبه

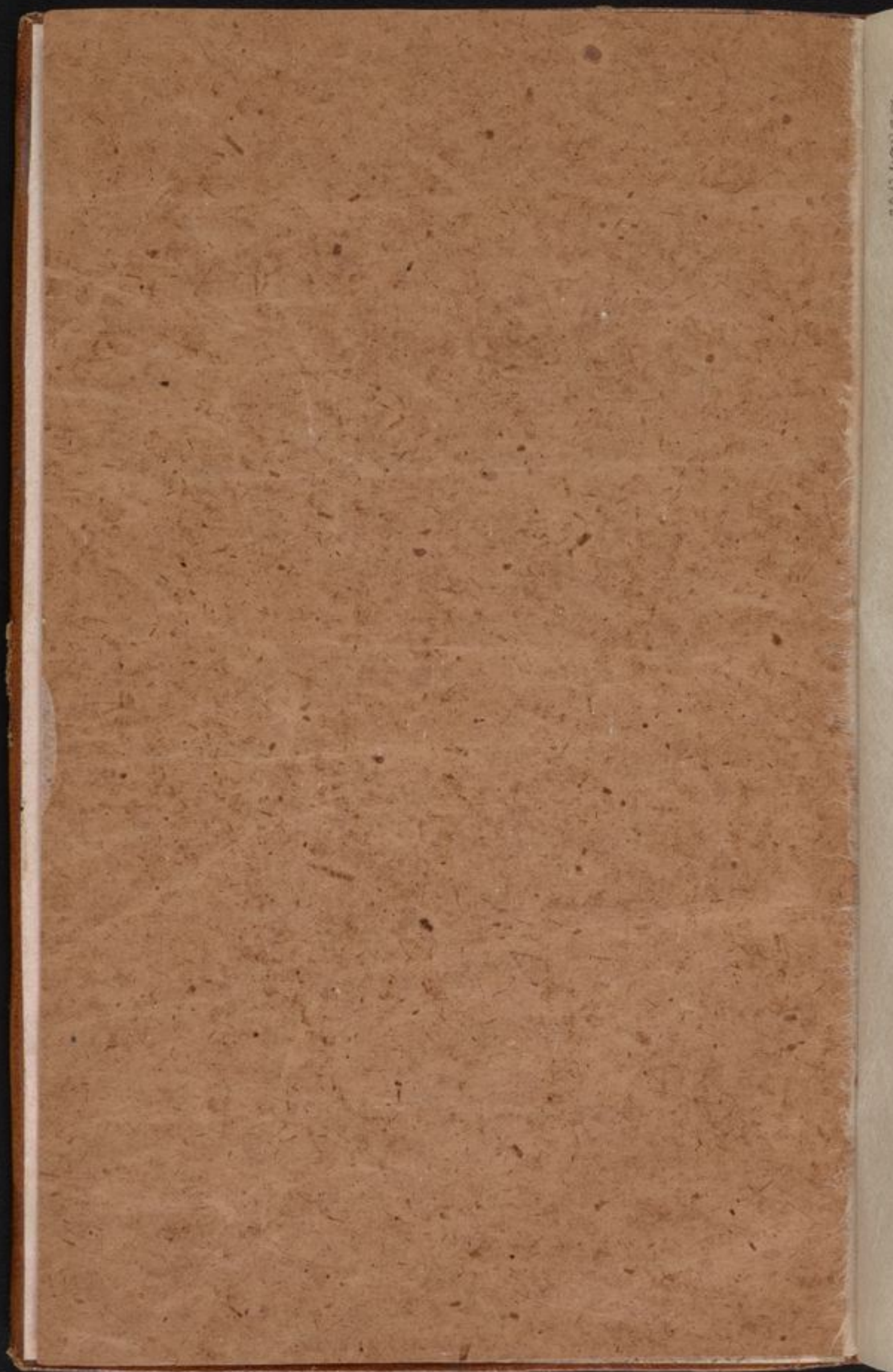
فی ربيع الاول سنة ١٠٥٠ و تسعماية

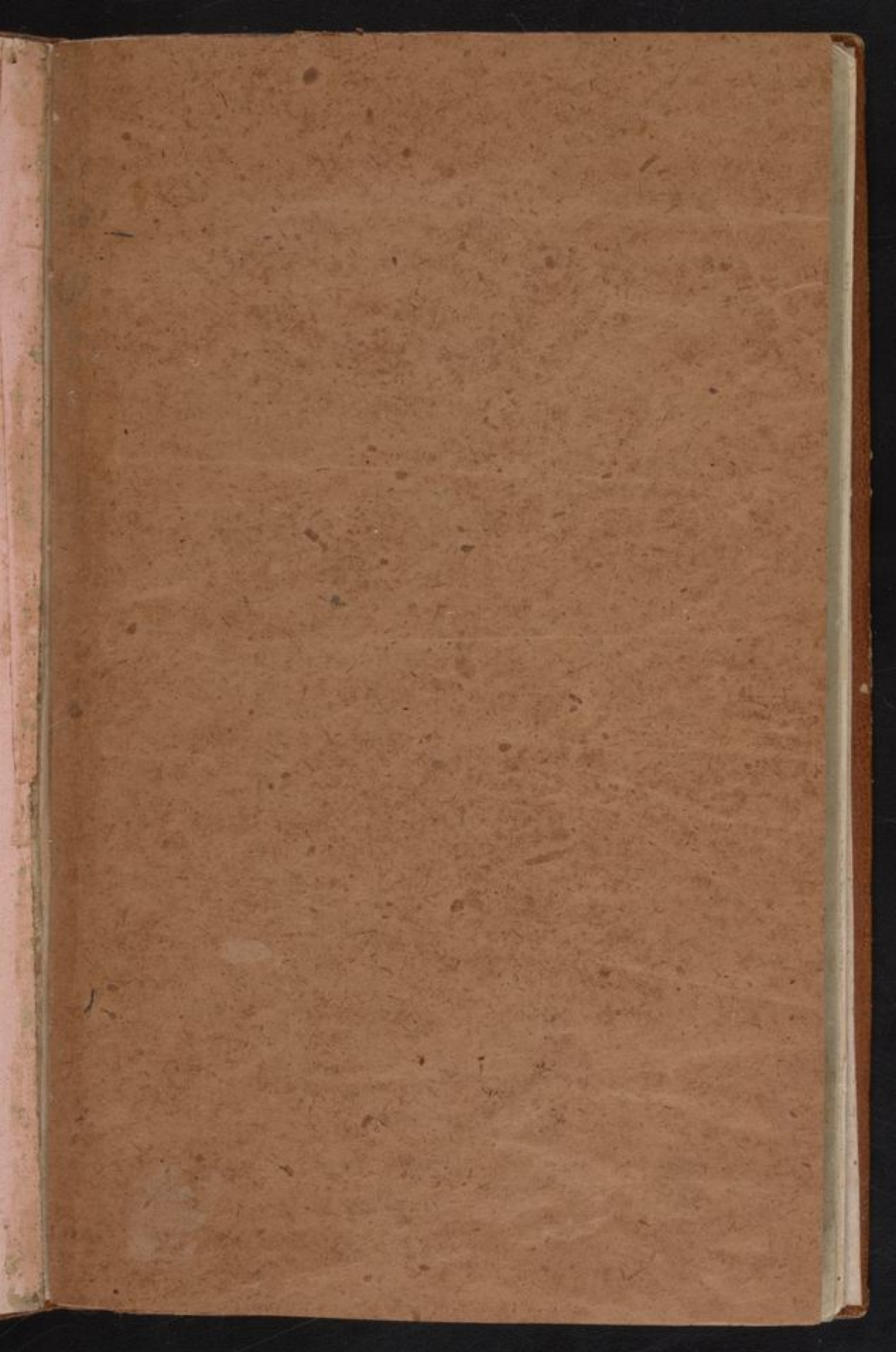
مرقع طبرستان

شماره ۱۷



2012 498358





1815
1816
1817
1818
1819

